

## (بررسی فقهی پوشش در قرآن)

1. ربابه نخعی نیا کارشناس ارشد ادیان و عرفان دانشگاه کاشان

[rnakheiniya@gmail.com](mailto:rnakheiniya@gmail.com)

2. فاطمه نخعی نیا کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد تربت حیدریه

[fnakheiniya@gmail.com](mailto:fnakheiniya@gmail.com)

### چکیده

حکم پوشش و حجاب در فقه اسلامی و وجوبش، از ضروریات و مسلمات دین است و صراحت آیات و احادیث بر آن دلالت دارد؛ فقها و علمای دین، چه سنی و چه شیعه، فتوا به عدم وجوب آن نداده‌اند، بر این اساس و همچنین آثار مثبتی که این مسأله در اجتماع دارد تصمیم گرفتم تا مقاله ای را بر این اساس تدوین نمایم.

این مقاله با عنوان «بررسی فقهی پوشش در قرآن» بر آن است تا: ضمن بیان صریح‌ترین آیات حجاب و پوشش از جمله آیه‌ی 31 سوره‌ی نور و 59 سوره‌ی احزاب، احکام استنباط شده این آیات را خصوصاً در زمینه‌ی پوشش با استفاده از خود آیات، روایات و فتوای فقهای مورد بررسی قرار دهد.

برای رسیدن به این منظور بعد از تهیه‌ی منابع مربوط از کتابخانه‌های معتبر و مطالعه و فیش‌برداری از آنها و گفتگو با بعضی از صاحب‌نظران در این رشته به تحریر مقاله خویش به روش استقرائی - تحلیلی پرداختم و تحقیق خویش را پس از ذکر آیات مربوطه و بررسی واژه‌های کلیدی آن در بحث اصل وجوب پوشش و حدود آن و بیان حجاب برتر انجام دادم. دستاوردهای اصلی این تحقیق عبارتند از: ۱- وجوب پوشش را با ادله‌ای از قرآن، روایات، سیره و عقل می‌توانیم اثبات کنیم. ب- هر چند نظرات مختلفی در خصوص حدود پوشش مطرح است و لیکن پوشش بدن به جز وجه و کفین مورد اجماع فقها می‌باشد.

کلید واژگان: جلباب، خمار، جیب

### مقدمه

خداوند متعال دین مقدس اسلام را برای سعادت و خوشبختی انسان‌ها نازل فرموده و عفت و پاکدامنی را با آفرینش زن به هم آمیخته و با آفرینش او صلاح و خیر جامعه را در نظر گرفته و به او نظر ویژه‌ای عنایت کرده و قوانین مخصوصی برایش وضع نموده است.

مسأله‌ی حجاب و پوشش در رأس و پیشاپیش آن قانون قرار گرفته شده است تا عفت برونی زن با عفت درونی او هماهنگ گردد و بنیان خانواده مستحکم گردد و زیبایی و دلآرایی زن از آن همسرش باشد و دیگران از آن بهره نگیرند.

در قرآن مجید بسیار به مسأله‌ی پوشش و حجاب اشاره شده و این همه سفارش و تأکید به خاطر اهمیّت داشتن حجاب و پوشش در زندگی زن است.

بر مبنای فرمان صریح خداوند در قرآن و نیز بر اساس مصالح دیگری که از دید بشر پنهان است، حجاب به عنوان یک امر واجب بلکه به عنوان ضروری دین مطرح گشته است. ضروری دین چیزی است که جزء لاینفک دین محسوب می‌شود و اعتقاد و التزام به آن لازمی اعتقاد و التزام به اصل دین است و انکار آن به انکار خدا یا پیامبر خدا می‌انجامد. منکر ضروری دین به همین معنایی که ذکر شد محکوم به کفر است.

از سوی دیگر فهم و تفهیم رابطه‌ی دقیق میان «پوشش و تکامل» یا «پوشش و رشد» بررسی فقهی و استنباط احکام به عهده‌ی عالمان وارسته و فرهیخته‌ای است که با دقت‌های فراوان در آیات قرآن و روایات معصومین (:): فلسفه‌ی تشریح و «احکام واقعی حجاب» را درک کرده‌اند و مرزهای عقیدتی را حراست کرده و از قلعه‌ی ایمان به خوبی پاسداری نموده‌اند. اگر چه از زمان‌های گذشته و بسیار دور علما و اندیشمندان اسلامی در بررسی موضوع حجاب مستقلاً کتاب‌های زیادی نوشته‌اند و یا در ضمن کتب خود به مسأله‌ی حجاب نیز پرداخته‌اند و آیات و روایات در این زمینه را به بررسی نشسته‌اند و لیکن با یاری خداوند ما این موضوع را خاص‌تر کرده و احکام مستنبط از این آیات را از جهت فقهی بررسی می‌نماییم.

آیات قرآنی که در این مقاله بررسی میکنیم بدین شرح است:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰) وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ .. (۳۱)» (آیات 30 و 31 سوره نور)

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَرْوَا جَكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (آیه ی 59 سوره احزاب)

واژه شناسی:

1- **خُمْر (خِمار):** خِمار: [خ] (ع ا) مقنعه، چادر نماز، چارقد، سرپوش.<sup>۱</sup>

با بررسی مجموعه‌های لغوی گویا می‌توان گفت که خمار وسیله‌ای برای پوشش سر زنان بوده است. خلیل بن احمد فراهیری ضمن آنکه ماده‌ی «خمر» را به وسیله‌ای که طرف را می‌پوشاند و بر ظروف پوشش می‌افکند معنا می‌کند، می‌گوید:

«خُمُرُهَا مَا غَشِيَ الْمَخْمُورُ مِنَ الْخِمَارِ.»<sup>۲</sup>

راغب اصفهانی اصل آن را پوشاندن اشیاء می‌داند و می‌نویسد:

1- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج 21، مدخل خمار، ص 725.

2- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج 2، صص 263 و 272 به نقل از فتحیه فتاحی زاده، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ص 30.

خمار به وسیله‌ای که با آن چیزی را می‌پوشانند گویند. ولی عرفاً مختصاً به چیزی شده که زن سر خود را با آن می‌پوشاند جمع آن خُمُر است. «إِخْتَمَرَتِ الْمَرْثَةُ»؛ «یعنی: زن خودش را پوشانید.»<sup>۱</sup>

طریحی نیز ضمن اینکه بدین معنا تصریح کرده است به علت نامیده شدن مقنعه به خمار می‌پردازد و می‌نویسد:

وجه تسمیه‌ی مقنعه به خمار بدین لحاظ است که سر به واسطه‌ی آن پوشیده می‌شود «إِخْتَمَرَتِ الْمَرْثَةُ»؛ «یعنی: مقنعه‌اش را پوشیده و سرش را پوشانند.»<sup>۲</sup>

این فارس که در ریشه‌یابی واژه‌ها همت عظیمی را بکار بسته است و از این جهت اثرش بسیار مهم است می‌نویسد:  
خمر به معنی تغطیه و پوشانیدن است.<sup>۳</sup>

آقای مصطفوی پس از نقل اقوال لغویان در جمع‌بندی نهایی نوشته است:

خمر و خمار به معنی ستر و پوشش است شراب را خمر گویند زیرا حواس ظاهری و باطنی را می‌پوشاند به روسری زن نیز خمار گویند زیرا به وسیله‌ی آن سرش را می‌پوشاند.<sup>۴</sup>

از مجموع آنچه آوردیم می‌توان نتیجه گرفت که خمار سر پوش زن می‌باشد و از این روی آیه‌ی «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ»<sup>۵</sup> را می‌توان چنین معنا کرد: زنان بایستی روسری‌های خود را بر گریبان‌های خویش بیاندازند.<sup>۶</sup>

## 2- جیوب (جیب): جیب: [ج] گریبان، گردن پیراهن.<sup>۷</sup>

از فرهنگ‌های لغوی چنین بر می‌آید که «جیب» به معنی «طوق گردن» «مدخل زمین» است. تاج العروس می‌نویسد:

«جَيْبُ الْقَمِيصِ: طوق و گریبان لباس را گویند.»<sup>۸</sup>

یکی از لغویین می‌گوید: «اقرّب الموارد و قاموس معنای اولی جیب را قلب و سینه گفته‌اند ولی اگر جیوب را سینه معنی کنیم از لحاظ آیه و لغت اشکالی نخواهد داشت به نظر می‌آید گریبان لباس را به جهت روی سینه بودن جیب القمیص گفته‌اند.»<sup>۹</sup>

1- راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن احمد، مفردات فی غریب القرآن، ص 159 به نقل از همان.

2- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج 3، ص 292 به نقل از همان.

3- احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج 2، ص 215 به نقل از همان.

4- مصطفوی، حسن، التّحقیق فی کلمات القرآن، ج 3، ص 129.

5- نور(24)/31.

6- فتّاحی‌زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، صص 29-31.

- و نیز ر.ک: شریعت موسوی، سید مصطفی، الشّهَاب فی مسأله الحجاب، ص 73

7- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج 16، مدخل جیب، ص 186.

8- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، ج 2، ص 210.

9- دامغانی، حسین بن محمد، قاموس القرآن، ج 2، ص 91 به نقل از مرضیه قاسمی، بررسی حجاب از دیدگاه قرآن و حدیث، صص 8-9.

اما مرحوم طبرسی جیوب را به معنای گریبان‌ها گرفته و فرموده: «... وَكُنِيَ عَنِ الصُّدُورِ بِالْجُيُوبِ لِأَنَّهَا مَلْبُوسَةٌ عَلَيْهَا.»<sup>۱</sup>؛ «از سینه‌ها به جیوب، کنایه آورده شده است زیرا گریبان‌هاست که روی سینه‌ها را می‌پوشاند.»  
 بنابراین می‌شود گفت این‌که عالمان جیب را به سینه تفسیر کرده‌اند باید به جهت آن باشد که بر بالای سینه قرار دارد.  
 طریحی نیز با اینکه جیب را به گریبان معنا کرده است اما افزوده است که: می‌توان جیب را به سینه معنا کرد.<sup>۲</sup>  
 بنابراین می‌توان گفت که تفسیر «جیب» به سینه و قلب که در قاموس نیز آمده است: «ناصحُ الجیبِ: أی القلب والصدر.»  
 با عنایت به این معناست و تفسیر مفسران نیز توسعه در معنای لغوی آن است.<sup>۳</sup>

### 3-جلایب (جلباب)

جلباب: [ج] [ع] (ع) (ا) (اقرّب الموارد- منتهی الارب) به معنی پیراهن و چادر زنان.<sup>۴</sup>  
 واژه‌ی جلباب در تعیین حدود حجاب، نقش مهمی دارد و باشناسی دقیق آن به چگونگی بحث در محدوده‌ی پوشش، تأثیر فراوانی خواهد داشت.

خلیل بن احمد فراهیدی نوشته است: «الْجَلْبَابُ ثَوْبٌ أَوْسَعُ مِنَ الْخِمَارِ دُونَ الرِّدَاءِ، تُعْطَى بِهِ الْمَرْءَةُ رَأْسَهَا وَصَدْرَهَا.»<sup>۵</sup>؛ «یعنی: جلباب، جامه‌ای است از چارقد بزرگ‌تر و از عبا کوچک‌تر، زن به وسیله آن سر و سینه خود را می‌پوشاند.»  
 ابن منظور نیز همین تفسیر را برای جلباب متذکر شده است.<sup>۶</sup>

معجم نگاران واپسین نیز از جمله طریحی می‌نویسد: «جلباب، جامه‌ای از چارقد بزرگ‌تر و از عبا کوچک‌تر، زن به وسیله آن سرش را می‌پوشاند و باقی آن را روی سینه‌اش رها می‌سازد.»<sup>۷</sup>  
 شیخ طبرسی (ره) در بخش تبیین لغت، درباره جلباب نوشته‌اند:

«الْجَلْبَابُ خِمَارُ الْمَرْءَةِ الَّتِي يُعْطَى رَأْسَهَا وَوَجْهَهَا إِذَا خَرَجَتْ لِحَاجَةٍ»؛ «یعنی: جلباب عبارت است از روسری‌ای که در موقع خروج از منزل بکار برده می‌شود و سر و صورت را با آن می‌پوشانند.»

اما در بخش تفسیر نوشته‌اند: یعنی مقصود این است که با روپوشی که زن به خود می‌گیرد محل گریبان را بپوشاند.  
 بعد می‌نویسد: گفته شده جلباب همان چارقد است و مقصود آیه این است که زنان آزاد، وقت بیرون رفتن پیشانی‌ها و سرها را بپوشانند.<sup>۱</sup>

1- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج 7، ص 138 به نقل از همان.

2- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج 2، ص 28 به نقل از همان.

3- قاسمی، مرضیه، بررسی حجاب از دیدگاه قرآن و حدیث، صص 8-9.

4- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج 16، مدخل جلباب، ص 75.

5- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج 6، ص 132 به نقل از مرضیه قاسمی، بررسی حجاب از دیدگاه قرآن و حدیث، صص 2-4.

6- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج 2، ص 317.

7- علی پور باغبان نژاد، یوسف و اصغر رضائی، حجاب= آزادی یا اسارت؟، ص 13.

از آنچه آوردیم روشن شد که قریب به اتفاق واژه‌شناسان و لغویان جلاب را به روسری‌ها و مقنعه‌ها معنی می‌کنند که از چارقد بزرگ‌تر و از عبا کوچک‌تر بوده است.<sup>۲</sup>

## اصل وجوب پوشش و حدود آن

فقها با چشم‌پوشی از پاره‌ای اختلافات در کم و کیف پوشش، هیچ اختلافی در اصل وجوب آن بر بانوان در برابر مردان نامحرم ندارند و بی‌گمان این حکم مورد اجماع همه علمای اسلام است؛ علامه حلی می‌نویسد:

«عَوْرَةُ الْمَرْأَةِ جَمِيعُ بَدَنِهَا إِلَّا الْوَجْهَ بِإِجْمَاعِ عُلَمَاءِ الْأَمْصَارِ عَدَا أَبِي بَكْرٍ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ هِشَامٍ: فَإِنَّهُ قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْمَرْأَةِ عَوْرَةٌ حَتَّى ظَفْرِهَا، وَهُوَ مَرْفُوعٌ بِالْإِجْمَاعِ. وَأَمَّا الْكَفَّانُ: فَكَالْوَجْهِ عِنْدَ عُلَمَائِنَا أَجْمَعٍ وَبِهِ قَالَ مَالِكٌ وَالشَّافِعِيُّ وَالْأَوْزَاعِيُّ وَأَبُو ثَوْرٍ... وَقَالَ أَحْمَدُ وَدَاوُدُ: أَلْكَفَّانُ مِنَ الْعَوْرَةِ»<sup>۳</sup>؛ «یعنی: بنابر اجماع دانشمندان شهرها، عورت زن عبارت است از همه‌ی بدن او به جز چهره، به جز ابابکر عبدالرحمن بن هشام که گفته است: همه‌ی بدن زن، حتی ناخن‌های او عورت است. و این سخن، به اجماع مردود است. اما دو دست نیز از نظر همه علمای ما، مثل چهره است و فتوای مالک و شافعی و اوزاعی و ابو ثور نیز همین است ... ولی احمد و داود، گفته‌اند: دو دست از عورت است.» «صاحب جواهر»، پس از بیان دلیل‌های فراوان بر وجوب پوشیدن عورت از ناظر محترم و حرمت نگریستن بدان می‌نویسد: «وَالْحَاصِلُ مَادَّلٌ عَلَى وَجُوبِ السَّتْرِ وَحُرْمَةِ النَّظَرِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصَى»<sup>۴</sup>؛ «یعنی: فشرده سخن این است که آن چه بر وجوب پوشانیدن عورت و حرمت نگریستن بدان دلالت دارد، بیش از آن است که به شمارش آید.»

البته چنان که در متون فقهی نیز اشاره شده، تفاوت میان پوشش در حالت نماز و غیر حالت نماز، آن است که قسم نخست، در هر حال واجب است، گر چه نمازگزار در معرض نگاه بیننده‌ای هم نباشد یا در مکانی تاریک به نماز بایستد، بر خلاف قسم دوم که مقصود آن تحفظ و تستر از غیر است، گر چه این مقصود، با قرار گرفتن در مکان تاریک و مانند آن تحقق یابد. «صاحب عروة»، در اشاره به این نکته می‌نویسد:

«لَا يُشْتَرَطُ فِي السَّتْرِ الْوَجِبِ فِي نَفْسِهِ سَاتِرٌ مَخْصُوصٌ وَلَا كَيْفِيَّةٌ خَاصَّةٌ بَلِ الْمَنَاطُ مُجَرَّدُ السَّتْرِ، وَ لَوْ كَانَ بِالْيَدِ وَطَلَى الْيَدِ وَنَحْوِهَا»<sup>۵</sup>

- 1- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج 7، ص 138 به نقل از یوسف علی پور باغبان نژاد و اصغر رضائی، حجاب = آزادی یا اسارت؟، ص 13.
- 2- قاسمی، مرضیه، بررسی حجاب از دیدگاه قرآن و حدیث، صص 4-6.
- 3- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقها، ج 2، ص 448.
- 4- نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج 2، ص 3.
- 5- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم بن عبدالعظیم، عروة الوثقی، ج 1، ص 415.

عالمان فقه، در مبحث نکاح نیز بر حرمت نگریستن مردان به زنان نامحرم - به غیر از چهره و دستان آن - اتفاق نموده‌اند. این فتوا، اگر چه صراحتی در وجوب پوشش بر بانوان ندارد، ولی بنا بر این که اعانه‌ی بر حرام را حرام بدانیم یا این که در این مورد، حرمت نگریستن را ملازم با وجوب پوشش در نظر بگیریم، می‌توان حکم مزبور را به روشنی از آن برداشت نمود.<sup>1</sup>

### ادله‌ی حجاب اسلامی

لزوم پوشیدگی زن از چهار دلیل قرآن، روایات، سیره و عقل برخوردار است که هر کدام به تنهایی برای اثبات ضرورت حجاب کافی است و در این گفتار همه‌ی آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### 1-1 قرآن و روایت

مهم‌ترین دلایل شرعی وجوب پوشش دینی، آیات سوره‌ی نور و احزاب است، خدای تعالی در سوره‌ی نور فرموده است:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>2</sup>

«یعنی: (ای پیامبر) به زنان با ایمان بگو دیده‌های خود را فرو بندند و عورت خود را بپوشانند (دامان خود را پاک نگاه دارند) و زیور و زینت خویش بر نامحرم آشکار نسازند مگر آن چه پیداست و سرپوش‌های خود را بر گریبان‌های خویش اندازند و زینت و جمال خود را آشکار نکنند مگر برای شوهران، یا پدران، یا پدر شوهران، یا پسران، یا پسران شوهر، یا برداران، یا برادرزادگان، یا خواهر زادگان، یا زنان، یا کنیزان خود، یا مردانی که از زن بی‌نیازند، یا کودکانی که از عورت زنان آگاه نیستند، و پای بر زمین نزنند که زیور پاهایشان معلوم گردد. ای مؤمنان همگی به سوی خداوند توبه کنید، باشد که رستگار گردید.»

آن چه از این آیه‌ی شریفه استفاده می‌شود عبارت است از: 1- بستن چشم از نگاه‌های شهوت آلود مردان. 2- لزوم پوشش عورت از دیگران. (بر هر مرد و زن مسلمان واجب است عورت خود را به استثنای همسران از هر زن و مرد محرم و نامحرم و اطفال ممیز بپوشاند).<sup>3</sup> 3- لزوم پوشش بدن زن و زینت‌های آن. 4- جواز آشکار بودن بدن و زینت‌های آن در برابر محارم.

در آیه‌ی 59 سوره‌ی احزاب نیز می‌فرماید:

1- کلانتری، علی اکبر، فقه و پوشش بانوان، صص 35-33.

2- سوره نور (24)/31.

3- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم بن عبدالعظیم، عروة الوثقی، ج 1، فصل فی الستر و الساتر، مسأله‌ی 1.

«ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان با ایمان بگو! پوشش‌های خویش را بر خود فرو گیرند، این کار برای این که - از کنیزان- شناخته شوند تا مورد آزار قرار نگیری، نزدیک‌تر است و خدا، بسیار بخشنده و مهربان است.»

عبدالله بن جعفر حمیری نیز در کتاب خود، قرب الاسناد، از هارون بن مسلم و او از مسعدة بن زیاد نقل می‌کند: «سَمِعْتُ جَعْفَرًا وَ سُئِلَ عَمَّا تُظْهَرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا قَالَ: الْوَجْهَ وَ الْكَفَّيْنِ<sup>۱</sup>؛ «یعنی: شنیدم از امام جعفر صادق (7) درباره‌ی چیزی که زن می‌تواند از زینتش آن را آشکار نماید، پرسیده شد، فرمود: چهره و دو دست را.» این روایت که در مقام از تفسیر فراز نورانی «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» در آیه‌ی نخست است، افزون بر بیان کمیت پوشش، بر اصل وجوب آن نیز دلالت دارد.<sup>۲</sup> در این قسمت، مناسب است شأن نزول آیه حجاب بیان شود.

### 1-1-1) شأن نزول آیه حجاب

در کتاب کافی در شأن نزول نخستین آیه از آیات فوق از امام باقر (7) چنین نقل شده است که جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد - و در آن روز زنان مقنعه‌ی خود را در پشت گوش‌ها قرار می‌دادند (و طبعاً گردن و مقداری از سینه آن‌ها نمایان می‌شد) - چهره‌ی آن زن نظر آن جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت هنگامی که زن گذشت جوان همچنان با چشمان خود او را بدرقه می‌کرد درحالی که راه خود را ادامه می‌داد تا این که وارد کوچه‌ی تنگی شد و باز همچنان به پشت سر خود نگاه می‌کرد ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه‌ی شیشه‌ای که در دیوار بود صورتش را شکافت! هنگامی که زن گذشت جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه‌اش ریخته! نخست ناراحت شد با خود گفت به خدا سوگند من خدمت پیامبر می‌روم و این ماجرا را بازگو می‌کنم، هنگامی که چشم رسول خدا (6) به او افتاد فرمود چه شده است؟ و جوان ماجرا را نقل کرد، در این هنگام جبرئیل، پیک وحی خدا نازل شد و این آیه را آورد «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...»<sup>۳</sup>

### 2-1) سیره

یکی دیگر از ادله‌ی وجوب حجاب دینی که بعد از کتاب دومین دلیل محسوب می‌شود سیره‌ی زنان مسلمان از صدر اسلام تا به حال بوده است. آن‌ها همواره در برابر نامحرم بدن و موی سر خود را می‌پوشانده‌اند و این عمل آن‌ها ناشی از دستور پیامبر اکرم (6) و ائمه هدی (: بوده است.

1- شیخ حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج 14، ص 146، باب 109، حدیث 5.

2- کلانتری، علی اکبر، فقه و پوشش بانوان، صص 38-36.

3- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج 14، ص 435.

حجاب میراث گران قدر صدیقه کبری (3) و پیام رسان کربلاست. برترین زنان عالم، پابندترین آنان به حکم حجاب بوده؛ زندگی سراسر نور و معنویت اسوهی تقوی و فضیلت و سرچشمه‌ی عفت و پارسایی فاطمه زهرا (3) بیانگر این حقیقت است که دخت گران قدر پیامبر (6) در پابندی و رعایت این حکم الهی بسیار حساس و محتاط بود، حتی آن گاه که برای دفاع از حق غصب شده‌ی خود (یعنی فدک) به مجلس اُبی بکر می‌رفت: «لَأَتَّ (لَأَتَّ) خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اشْتَمَلَتْ جِلْبَابَهَا»؛ «یعنی: حضرت روسری یا مقنعه‌ی خود را سر کرد و چادرش را پوشید و ....»

وقتی می‌خواست به طرف خانه‌ی پدرش از منزل خود خارج شود «فَتَجَلَّبَتْ بِجِلْبَابِهَا وَ تَبَرَّقَعَتْ بِبُرْقِعِهَا وَ أَرَادَتْ النَّبِيَّ<sup>۲</sup>؛ «یعنی: چادرش را سر نمود و روبندش را انداخت و به طرف منزل پیغمبر حرکت نمود.»

«عَنْ عَلِيٍّ (7): قَالَ كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (6) فَقَالَ أَخْبُرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ فَعَيَّنَا بِذَلِكَ كُلُّنَا حَتَّى تَفَرَّقْنَا فَرَجَعْتُ إِلَى فَاطِمَةَ (3) فَأَخْبَرْتُهَا بِالَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ (6) وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَّا عَلِمَهُ وَ لَا عَرَفَهُ فَقَالَتْ وَ لَكِنِّي أَعْرِفُهُ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (6) فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (6) سَأَلْتَنَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ خَيْرٌ لِهِنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ فَقَالَ مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمْهُ وَ أَنْتَ عِنْدِي؟ فَقُلْتُ فَاطِمَةَ فَأَعْجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ (6) وَ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي...»؛ «یعنی: از امیرالمؤمنین (7) نقل شده که فرمود: در محضر رسول خدا (6) بودیم، آن حضرت فرمود مرا خبر دهید که بهترین چیز برای زن چیست؟ اما حاضران همگی از پاسخ درماندند تا متفرق شدیم و من به نزد فاطمه (3) بازگشتم و آن چه را که در محضر پیامبر خدا (6) گذشته بود به او گزارش دادم. فاطمه (3) گفت: لیکن من پاسخ را می‌دانم: بهترین چیز برای زنان آن است که نه مردان - نامحرم - را ببینند و نه مردان - نامحرم - آنان را ببینند.»

پس به نزد پیامبر خدا (6) بازگشتم و گفتم ای رسول خدا از بهترین چیز برای زنان سؤال کردید؟ بهترین چیز برای زنان آن است که نه مردان را ببینند و نه مردان آنان را ببینند. پیامبر (6) فرمود: چه کسی آگاہت کرد؟ هنگامی که نزد من بودی این را نمی‌دانستی؟ عرض کردم: فاطمه (3)، این قضیه پیامبر خدا (6) را خوشحال کرد. فرمود: همانا فاطمه پاره تن من است.<sup>۳</sup>

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (3): «إِذَا سُئِلَتْ أَدْنَى مَا تَكُونُ الْمَرْأَةُ مِنْ رَبِّهَا عَنْ تَلْزَمُ قَعْرَ بَيْتِهَا»؛ «یعنی: نزدیک‌ترین حالت یک زن نسبت به خداوند زمانی است که در منزل خودش باشد و در میان نامحرمان حاضر نشود.»<sup>۴</sup>

1- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ج 29، ص 218.

2- شیخ صدوق، علل الشرائع، ج 1، ص 163 به نقل از مرضیه قاسمی، بررسی حجاب از دیدگاه قرآن و حدیث، صص 39-44.

3- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج 14، ص 43.

4- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ج 43، ص 92.



«أَتَى قَدْ اسْتَقْبَحْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ أَنَّهُ يُطْرَحُ عَلَى الْمَرْأَةِ الثُّوبُ فَيَصْنِفُهَا لِمَنْ رَأَى»؛ «یعنی: همانا دوست ندارم کاری را که با جنازه زنان می‌کنند و پارچه‌ای بر روی آن می‌اندازند که برآمدگی‌های بدنش را نامحرمان می‌بینند.»

فلذا حضرت دستور داد برای جنازه‌ی او تابوتی سازند و بدن او را داخل تابوت بگذارند به گونه‌ای که کسی او را نبیند.<sup>۱</sup>  
سکینه خاتون دختر سید الشهدا (3) آنگاه که از قتلگاه می‌گذشت، از شتر به زیر جست و بر جسد بی‌سر پدر آمد و با آه و سوز به درد دل نمودن پرداخت. همین که بدن و پیکر بی‌سر و مطهر امام (7) را دید فریاد برآورد:  
«يَا أَبَتَا أَنْظِرْهُ إِلَى رُوُوسِ النِّسَاءِ الْمَكْشُوفَةِ»؛ «یعنی: پدر جان سرهای برهنه ما را ببین.»

پس این مصیبت از همه‌ی مصائب بر او جانگدازتر و دردآورتر بوده است. همین دختر شش ساله در مجلس یزید صورت خود را با آستین پوشانده بود و می‌گریست. «سَكِينَةُ تَسْتُرُ وَجْهَهَا بِزَنْدِهَا، لِأَنَّهَا لَمْ تَكُنْ عِنْدَهَا خِرْقَةٌ تَسْتُرُ بِهَا وَجْهَهَا.»<sup>۲</sup>؛ «یعنی: سکینه با ساعدش (آستین‌اش) چهره‌اش را می‌پوشاند زیرا پارچه‌ای نداشت که با آن چهره‌اش را بپوشاند.»

و در شام نیز وقتی زنان اهل بیت سر مبارک امام حسین (7) را در حضور یزید دیدند، ناله و فریاد برآوردند و ندا برکشیدند: وا محمدها وا علیاه... آنگاه امّ الکلتوم فرمود:

«يَا يَزِيدُ أَمَا تَسْتَحْيِي وَ قَدْ تَخَذَرُ حَرِيمَكَ فِي الْخُدْرِ وَ أَشْتَهَرْتَ بَنَاتَ رَسُولِ اللَّهِ (6) بَيْنَ النَّاسِ»؛ «یعنی: ای یزید آیا شرم نمی‌کنی که زن‌های خود را پس پرده باز داشته‌ای، و دختران رسول خدا را بی‌پرده در میان مردان برآورده‌ای.»<sup>۳</sup>

و در مجلس یزید آنگاه که دختر دلاور علی (7) زینب کبری (3) زبان به سخن گشود و خطبه‌ی تاریخی خویش را ایراد کرد. با این که پوشش بر تن داشت، اما مصیبت قرار گرفتن در معرض تماشای نامحرمان در کوچه و بازار، بر او بسیار گران و دردناک آمده بود.

آری آن فرزنانگان پاک سیرت و آن برگزیدگان پاک سرشت، این‌چنین نسبت به حجاب و پوشش و عفت خویش حساسیت داشته‌اند. به گونه‌ای که آشکار شدن تار مویی از خویش را در برابر نامحرمان به هیچ بها و بهانه‌ای بر نمی‌تابیدند و در آن وانفسای غم و اندوه و مصیبت که هر کس خویشتن را از یاد می‌برد، این مهم را از یاد نمی‌بردند و اینک ما و زنان میهن اسلامی ما میراث داران آن پاسداران پاکی و عفتیم و آنان در ملکوت اعلی نظاره‌گرند که چگونه از این میراث گران‌قدر و

1- شیخ حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج 3، ص 221.

- و نیز رک: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ج 78، ص 251.

2- شیخ طوسی، معالی السبطين، ج 2، ص 96 به نقل از مرضیه قاسمی، بررسی حجاب از دیدگاه قرآن و حدیث، صص 39-44.

3- سپهر، عباسقلی، ناسخ التواریخ، زندگانی زینب (س)، ص 376 به نقل از همان.

ثمره‌ی رنج‌ها و مرارت‌ها و خون‌های خود و عزیزانشان حراست می‌کنیم. آنان اسوه‌های پاکی و فضیلت و عفتند و وظیفه‌ی ما تأسی بر راه و مرام و رفتار آن‌هاست.<sup>۱</sup>

### 3-1) عقل

عقل نیز یکی دیگر از ادله‌ی لزوم پوشیدگی زن است. عقل انسان حکم می‌کند که به آن چه منافع سالم و مورد نیاز او را تأمین می‌کند و یا زیانی را از او دور می‌سازد مبادرت ورزد و پوشیدگی زن، آثار مثبتی نظیر آرامش درونی، امنیت، مصونیت زن و جامعه از مفاسد اجتماعی، رشد و پرورش استعدادهای زن، تحکیم خانواده، سلامت نسل، صیانت ارزش‌های والای زن، موفقیت‌های معنوی و اطاعت از پروردگار را به همراه دارد و از زیان‌هایی نظیر تزلزل خانواده، ایجاد جو غفلت، عقده‌مند کردن مردان، سقوط ارزش‌های زن، بلوغ زودرس جنسی جوانان، اسارت روح و غضب پروردگار پیشگیری می‌کند.

بنابراین هر عقلی که اسیر زنجیر شهوت و اوهام نباشد به لزوم آن حکم خواهد کرد اگر چه به ادیان الهی پایبند نباشد چه این که جوانه‌های پذیرش فرهنگ حجاب در بین برخی زنان غربی، که خسارت‌های ناشی از برهنگی زن را کاملاً احساس می‌کنند آشکار شده است. حجاب یک وظیفه‌ی اخلاقی برای همه‌ی زنان عقیف با هر گونه عقیده است.<sup>۲</sup>

آری صرف نظر از ضرورت‌های دینی، اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، با مراجعه به عقل سلیم در می‌یابیم که رعایت حجاب و پوشیدگی زنان، از نظرگاه عقل امری پسندیده و ممدوح و در مقابل، بی‌حجابی و برهنگی و خودنمایی امری نکوهیده و ناپسند است.

پیش از اثبات این مدعا لازم است مفهوم حقیقی عقل در فرهنگ قرآن و سنت روشن گردد. معنای اصلی عقل ننگه داشتن و بازداشتن است. عقل لسانی یعنی جلو زبان خود را گرفت. «معقل» نیز به معنی دژ و بارو است. به همین سیاق معنای اصلی عقل در سایر مشتقات آن نیز ملحوظ است.

ابن منظور عقل را این گونه معنا می‌کند: «سَمِيَ الْعَقْلُ عَقْلًا لِأَنَّهُ يُعَقَّلُ صَاحِبَهُ عَنِ التَّوَرُّطِ فِي الْمَهَالِكِ ... وَالْعِقَالُ الرِّبَاطُ الَّذِي يُعَقَّلُ بِهِ»؛ «عقل را بدین جهت عقل نامیده‌اند که صاحب خود را از سقوط در ورطه‌های هلاکت باز می‌دارد و عقائل ریسمانی است که با آن چیزی را می‌بندند.»

در روایات اسلامی نیز از عقل به عنوان «جهت باطنی و رسول حق» شمشیر برنده‌ی هوا و هوس‌ها، هدایتگر و نجات بخش، چراغ روشنگر، دلیل و راهنمای مؤمن، وسیله‌ی عبادت و کسب بهشت و عمل به فرمان‌های الهی، اطاعت و تسلیم در برابر خداوند، بازدارنده‌ی از گناهان و اصلاحگر عیب‌ها، دور کننده‌ی شهوات و ... یاد شده است.

### اقوال فقها در مقدار پوشش

1- قاسمی، مرضیه، بررسی حجاب از دیدگاه قرآن و حدیث، صص 39-44.

2- اکبری، محمدرضا، حجاب در عصر ما، صص 44-45.

بر خلاف اصل وجوب پوشش بانوان در برابر مردان نامحرم که جای بحث نبود، مقدار و اندازه‌ی آن تا حدودی مورد بحث و گفت و گو است و در این زمینه با اقوالی چند روبه رو هستیم؛ خاستگاه این اقوال نیز از اختلافی است که میان فقها درباره‌ی مواضع مورد استثناء از حکم وجوب پوشش واقع شده است که با جست و جو در متون فقهی، به چهار قول ذیل برمی‌خوریم:

1- بر زن، پوشانیدن همه‌ی بدن، جز چهره و دو دست، واجب است؛ می‌توان این قول را به بیشتر قریب به اتفاق فقهای اسلام، نسبت داد. در متون فقهی شیعه، کلمات «شیخ» در مبسوط، «علامه» در قواعد و تذکره، «فخرالمحققین» در ایضاح النافع، «مهرشتی» در اصباح الشیعه و «محقق» در شرائع، ظاهر، بلکه صریح در این قول است.<sup>1</sup>

علامه، مستثنا بودن چهره را مورد اجماع علمای شهرها به جز ابابکر بن عبدالرحمن و مستثنا بودن دستان را نیز مورد اتفاق علمای شیعه می‌داند. بلکه از عبارت فخرالمحققین استفاده می‌شود، مستثنا بودن چهره و دستان، مورد اجماع علمای اسلام است. در میان اهل سنت، مالک، شافعی، اوزاعی، و ابو ثور نیز، طرفدار همین قول هستند.<sup>2</sup>

2- بر زن، پوشانیدن همه‌ی بدن، حتی چهره و دو دست، واجب است. این قول، به گفته‌ی علامه حلی، مختار ابابکر بن عبدالرحمن بن هشام و به گفته‌ی صاحب جواهر، مختار فاضل مقداد است<sup>3</sup>؛ نیز این قول، از عبارتی از فیض کاشانی در تفسیر صافی، ظاهر می‌شود.<sup>4</sup>

3- بر زن، پوشانیدن همه‌ی بدن، جز چهره واجب است. این قول، از سوی احمد بن حنبل و داود ابراز شده و در میان شیعه طرفدار ندارد.<sup>5</sup>

4- بر زن، پوشانیدن همه‌ی بدن، جز چهره، دو دست و قدم‌ها، واجب است.<sup>6</sup>

#### پوشش وجه و کفین (چهره و دو دست)

از جمله مباحثی که در مسأله‌ی حدود پوشش از اهمیت زیادی برخوردار است. مسأله‌ی لزوم پوشش «وجه و کفین» و عدم آن است. پس از آنکه مسأله‌ی حد و مرز پوشش تا اندازه‌ای روشن شد به این مطلب می‌پردازیم.

این بحث به لحاظ اینکه در چگونگی روش و منش زن مسلمان نقش بسزایی داشته است از دیرباز مورد توجه فقیهان و مفسران بوده و معرکه آراء آنان است. موافقان کشف وجه و کفین به دلایلی استناد جسته‌اند. آنها معتقدند آیه‌ی «پوشش» یعنی

---

1- شیخ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، ج 4، ص 160.

- و نیز ر.ک: محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج 2، ص 269.

2- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقهاء، ج 2، ص 446.

3- همان، ص 448.

- و نیز ر.ک: نجفی، شیخ محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج 29، ص 77.

4- فیض کاشانی، ملا محمد محسن، تفسیر صافی، ج 2، ص 366.

5- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقهاء، ج 2، ص 448.

6- کلانتری، علی اکبر، فقه و پوشش بانوان، ص 38.

آیه 31 سوره‌ی نور که در جهت تحدید حدود پوشش و نمایانگر وظیفه‌ی زن مسلمان در مرز پوشش است. پوشانیدن وجه و کفین را لازم نشمرده است.

به نگاهی دقیق‌تر جمله‌ی «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» حدود پوشش را بیان می‌کند و جمله «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» کیفیت آن را. که هیچ کدام پوشانیدن صورت و دست‌ها را لازم نکرده است. در خصوص جمله‌ی اوّل در فصل زینت بحث خواهد گردید. و لیکن از جمله‌ی دوم روشن می‌شود که استدلال به این بخش از آیه نیز به هیچ روی بر اثبات لزوم پوشش وجه و کفین استوار نیست.

جمله‌ی دوم: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» که در بخش کلیات، قسمت واژه‌شناسی و در مفهوم واژه‌ی «خمر»، از آن سخن گفتیم و با تکیه بر معنای لغوی و سیر تاریخی دیدگاه مفسران یادآوری کردیم که این بخش آیه فقط در جهت بیان لزوم پوشانیدن سر و سینه زن است، نه جز آن و به اصطلاح درباره‌ی پوشش صورت «در مقام بیان» نیست افزون بر این بکارگیری کلمه‌ی «خمار» نیز می‌تواند در تبیین مراد یاری رساند. خمار بر خلاف جلباب که روسری بزرگ است به روسری کوچک گفته می‌شود، پر واضح است که با روسری کوچک امکان پوشانیدن سینه و گریبان و همچنین صورت وجود ندارد.

مرحوم «شیخ طوسی» نوشته‌اند: «فَالْخِمَارُ غَطَاءُ رَأْسِ الْمَرْأَةِ الْمُتَبَلِّغَةِ عَلَىٰ جَبِينِهَا»<sup>۱</sup>؛ «یعنی: خمار پوشش سر زن است که بر پیشانی آویخته می‌شود.»

«جمال الدین قاسمی» نوشته است: «با مقنعه‌ها مو و گوشواره و سینه‌شان را بپوشانند با افکندن آن بر گریبان‌شان یعنی گردن و سینه.»<sup>۲</sup>

مرحوم «فاضل جواد» نیز می‌نویسد: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ» مَقَانِعِهِنَّ جمع خمار «عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» لِيَحْصُلَ بِذَلِكَ سِتْرُ الصُّدُورِ وَ النَّحْوْرِ»؛ «یعنی: مقنعه‌ها را بر گریبان‌هایشان افکنند تا سینه و گردن‌ها مستور بمانند.»<sup>۳</sup>

«الْخِمَارُ ثَوْبٌ تُغَطِّي بِهِ الْمَرْأَةُ رَأْسَهَا»؛ «یعنی: خمر لباسی است که زن با آن سرش را می‌پوشاند» و به اصطلاح خمار روسری می‌باشد.

از داستان تاریخی شأن نزول به دست می‌آید که چون زنان دو طرف روسری را از پشت گوش‌ها به پشت سر گره می‌زده‌اند گلو و سینه‌ی آن‌ها آشکار می‌گشته است و چشم‌ها را بی‌اختیار به طرف خود جلب می‌کرده است، لذا دستور آمد که نحوه‌ی بستن روسری را تغییر دهند تا زیبایی‌های گلو و سینه زیر پوشش روسری پنهان گردند. بنابراین، آن چه از آیه و شأن نزول آن استنباط می‌گردد این است که پوشانیدن سر، زیر گلو و سینه واجب است. زیرا روشن است که هدف شارع مقدّس از

1- خویی، سید ابوالقاسم، البیان، ج 7، ص 430 به نقل از به نقل از فتحیه فتاحی‌زاده، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ص 96.

2- القاسمی دمشقی، جمال الدین، محاسن التأویل، ج 12، ص 195 به نقل از همان.

3- فاضل، جواد بن سعید، مسالک الافهام، ج 3، ص 273 به نقل از همان، صص 96-93.

4- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر به نقل از روح الله حسینیان، حریم عفاف (حجاب، نگاه)، ص 58.

این امر یک مصلحت واقعی بوده و صرف انداختن اطراف روسری بر روی سینه خاصیتی ندارد، بلکه در این جا از ظهور حکم و شأن نزول چنین استفاده می‌گردد که روسری را برای پوشاندن گلو و سینه باید بر روی سینه انداخت.<sup>1</sup>

از آن چه در تفسیر آیه می‌آوریم و این که از مفسران نقل کردیم گویا تردیدی باقی نمی‌ماند که آیه به هیچ روی در جهت توضیح و بیان حکم چهره نیست و فقط بیانگر لزوم پوشاندن سینه، گردن و زیبایی‌های اطراف آن است.<sup>2</sup>

### حجاب برتر

خدای تعالی در آیه 59 سوره احزاب فرموده است: «یعنی: ای پیامبر به زنان و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: پوشش‌های (جلباب‌های) خود را به هم نزدیک سازند که با این پوشش بهتر، شناخته شوند تا از تعرض (هوس‌رانی) آزار نبینند و خداوند بخشنده و مهربان است.»

این آیه همان‌طور که بیان شد از آیات حجاب اسلامی است که بعد از آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی نور نازل شده است و اما آنچه باید در این آیه در این قسمت مورد بحث و بررسی قرار گیرد حجاب برتر است که از معنای جلباب گرفته می‌شود که در قسمت شناخت واژه‌ها در این خصوص بحث شد و از آنچه بیان شد معلوم گردید جلباب دارای معانی مختلفی از جمله: چادر، مقنعه، لباس بزرگ‌تر از روسری و کمتر از چادر است. حال اگر خانمی بخواهد مطمئن شود که به آنچه خداوند فرموده است عمل کرده است به قول ابن عباس و ابن مسعود دو صحابی بزرگ رسول الله (6) و علامه طباطبایی مفسر بزرگ قرآن کریم عمل کند «جلباب» را به لباسی تفسیر کرده‌اند که همه‌ی بدن را می‌پوشاند و این همان حجاب برتر است که مصداق آن در زمان ما چادر یا عبا می‌باشد و چنانچه از مقنعه‌ی بلند (بزرگتر از روسری و کمتر از چادر) استفاده کند نیز کافی است اما چنانچه مسلم است روسری‌های موجود که کوتاه‌تر از مقنعه است مصداق جلباب که پوشیدن آن را خداوند واجب فرموده است نخواهد بود، بله روسری بلندی که به شکل چارقد سر می‌کنند و تا نیمی از اطراف بدن را می‌پوشاند می‌تواند در تحقق این پوشش دینی کافی باشد. نزول آیه‌ی 59 سوره احزاب بعد از آیه‌ی حجاب در سوره‌ی نور بیانگر کامل‌تر شدن حکم حجاب از روسری به چادر و یا حداقل مقنعه‌ی بلند است و در هر صورت پوشیدن چادر سیره‌ی فاطمه (3) بوده است و سیره‌ی او حجت شرعی است و از جمله قرآنی که ثابت می‌کند جلباب همان لباس سراسری (چادر) است که خداوند به پوشیدن آن امر فرموده است.

### 1-1 مفهوم جمله‌ی «ذَلِكْ أَذُنِي أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ»

در اینکه منظور از «شناخته شدن» چیست؟ در میان مفسران دو نظر وجود دارد که منافاتی باهم ندارند.

نخست اینکه: چون گروهی از منافقین اوایل شب که هوا تاریک می‌شد در کوچه‌ها و معابر مزاحم کنیزان می‌شدند گاهی از اوقات این جوانان مزاحم و فاسد متعرض (زنان آزاد) نیز می‌شدند و بعد مدّعی می‌شدند که ما نفهمیدیم زن آزاد است و

1- حسینیان، روح الله، حریم عفاف (حجاب، نگاه)، صص 58-59.

2- فتاحی‌زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ص 97.

پنداشتیم کنیز است لذا به زنان آزاد دستور داده شد که بدون جلباب یعنی در حقیقت بدون لباس کامل از خانه خارج نشوند، تا کاملاً از کنیزان تشخیص داده شوند و مورد مزاحمت و اذیت قرار نگیرند.

دیگر اینکه: هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل انگار و بی‌اعتنا نباشند، مثل بعضی از زنان بی‌بند و بار که در عین داشتن حجاب آنچنان بی‌پروا و لاپرواہی هستند که غالباً قسمت‌هایی از بدن آنها نمایان است و بدین‌گونه توجه افراد هرزه را به خویش جلب می‌کنند. زیرا وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاک دامن‌ی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی‌کنند معترض او شوند بنا به احتمال اول معنی جمله مزبور (ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ...) این است که بدین وسیله شناخته می‌شود که آزادند، نه کنیز! پس مورد آزار و تعقیب جوانان قرار نمی‌گیرند. ولی بنا به احتمال دوم معنی جمله این است که: بدین وسیله شناخته می‌شوند که زنان نجیب و عفیف می‌باشند، و بیماردلان از اینکه به آنها طمع ببندند چشم می‌پوشند؛ زیرا معلوم می‌شود که اینجا حریم عفاف است، چشم طمع کور، و دست خیانت کوتاه است!<sup>1</sup>

## 2-1 مفهوم «يُدِينُ» (نزدیک کنند)

منظور از فعل «يُدِينُ» «نزدیک کنند» در آیه این است که زنان «جلباب» و چادر را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آن را محفوظ دارد، نه اینکه آن را آزاد بگذارند، به طوری که گاه و بیگاه کنار رود و زینت‌ها و لباس‌های زیر آشکار گردد (همچنان که متأسفانه شایع است). مقصود این است که آن را رها مکن! آن را جمع و جور کن! آن را بی‌اثر و بی‌خاصیت رها نکن و خود را با آن بپوشان.

استفاده زنان از روپوش‌های بزرگ که بر سر می‌افکنند، دو جور است: یک نوع صرفاً جنبه‌ی تشریفاتی و رسمی داشته است، همچنان که در عصر حاضر بعضی از بانوان چادری را می‌بینیم که چادر داشتن آنها صرفاً جنبه‌ی تشریفاتی دارند با چادر هیچ جای بدن خود را نمی‌پوشانند آن را رها می‌کنند وضع چادر سر کردنشان، نشان می‌دهند اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند و از اینکه مورد بهره‌برداری چشم‌ها قرار بگیرند، ابا و امتناعی ندارند. نوع دیگر بر عکس نوع فوق‌الذکر بوده است: زن چنان با مراقبت جامه‌های خود را به خود می‌گیرد و آن را رها نمی‌کند که نشان می‌دهد اهل عفاف و حفاظ از خود است و ناپاک دلان را از خود دور و مأیوس می‌سازد.<sup>2</sup>

## نتیجه گیری

1- همه‌ی فقها با قبول اصل وجوب پوشش، در کم و کیف آن اختلافاتی دارند.

1- هدایت خواه، ستار، زیور عفاف، ص 187.

2- همان، ص 189.

2- خداوند در قرآن کریم صراحتاً به مسأله‌ی پوشش و حجاب در ضمن آیاتی چون 31 سوره‌ی نور و 59 سوره‌ی احزاب و ... اشاره نموده است.

3- در قرآن هم در خصوص حدود پوشش «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»<sup>1</sup> و هم در خصوص کیفیت پوشش «وَلْيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» بحث گردیده است.

4- لزوم رعایت حجاب را هم از طریق آیات قرآن و روایات و سیره ثابت می‌کنند و هم از طریق عقل.

5- با توجه به آیه‌ی 59 سوره‌ی احزاب و کلمه‌ی «جلباب» حجاب برتر همان چادر است.

## کتاب‌نامه

\* قرآن مجید (با ترجمه‌ی حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی)

### أ- منابع عربی

- 1- ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. (هیجده جلدی). بیروت: دارالاحیاء التراث العربی. 1408ق.
- 2- راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد. مفردات الفاظ قرآن. (یک جلدی). چاپ پنجم. بیروت: الدار الشامیة. 1996ق.
- 3- زبیدی، محمد مرتضی. تاج العروس. (ده جلدی). بیروت: مکتبه الحیاء. 1205ق.
- 4- شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. (سی جلدی). با تصحیح شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی. چاپ چهارم. بیروت: الاحیاء التراث العربی. 1391ق.
- 5- \_\_\_\_\_ . المبسوط. (هشت جلدی). تهران: مکتبه المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة. 1387ق.
- 6- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم بن عبدالعظیم. عروة الوثقی. (دو جلدی). تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة. 1399ق.
- 7- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر. تذکره الفقهاء. (دو جلدی). چاپ سنگی. قم: کتابخانه مرتضویه. [بی تا].
- 8- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. بحار الانوار. (صد و ده جلدی). تهران: دار الکتب الاسلامیة. 1389ق.
- 9- محقق حلّی، جعفر بن حسن. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. (چهار جلدی). چاپ اول. قم: انتشارات منشورات رشید. 1428ق.
- 10- مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن. (شش جلدی). تهران: [بی نا]. 1360ق.
- 11- نجفی اصفهانی، شیخ محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. (چهل و سه جلدی). با تحقیق محمد قوچانی و با تصحیح ابراهیم المیانجی. تهران: مکتبه اسلامیة. 1981م.

### ب- منابع فارسی

- 1- اکبری، محمد رضا. حجاب در عصر ما. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: انتشارات پیام آزادی. 1380ش.
- 2- حسینیان، روح الله. حریم عفاف (حجاب، نگاه). (یک جلدی). چاپ سوم. [بی جا]: مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی. 1375ش.
- 3- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. زیر نظر دکتر معین. (پنجاه جلدی). تهران: چاپ سیروس آباد. 1338ش.
- 4- شریعت موسوی اصفهانی، مصطفی. الشهاب فی مسألة الحجاب. (یک جلدی). چاپ اول. قم: انتشارات دارالتفسیر. 1385ش.
- 5- علی پور باغبان نژاد، یوسف و اصغر رضائی. حجاب = آزادی یا اسارت؟. (یک جلدی). چاپ دوم. تبریز: انتشارات احرار. 1304ش.
- 6- فتّاحی زاده، فتحیه. حجاب از دیدگاه قرآن و سنت. (یک جلدی). چاپ اول. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم. 1373ش.
- 7- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. تفسیر صافی. چاپ اول. تهران: انتشارات کتاب فروشی محمودی. 1334ق.
- 8- قاسمی، مرضیه. بررسی حجاب از دیدگاه قرآن و حدیث. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: انتشارات هزاره ققنوس. 1387ش.
- 9- کلاتری، علی اکبر. فقه و پوشش بانوان. (یک جلدی). چاپ سوم. قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. 1387ش.
- 10- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. تفسیر نمونه. (بیست و هفت جلدی). چاپ سی و دوم. تهران: دارالکتب اسلامیة. 1374ش.
- 11- هدایت خواه، ستار. زیور عفاف. (یک جلدی). چاپ اول. مشهد: معاونت پرورش اداره کل آموزش و پرورش خراسان. 1374ش.